

خانواده

بهیپهانی نیا بعد از آزمون و تجربه در قامت نویسنده و تهیه کننده در چند مجموعه تلویزیونی، خبرگی و پختگی در نویسندگی ملودرام‌های تلویزیونی را با «خانه پدری» به اثبات رساند و فیلمنامه‌اش با کارگردانی فریدون حسن پور حسابی توجه جلب کرد. داستان‌ها و روایت‌های آثار بهیپهانی نیا همیشه حول محور خانواده و زندگی گذشته و حفظ حریم و حرمت خانوادگی در تمامی ابعادش همواره مسئله‌اش بوده است. «خانه پدری» که از همان نام پیداست چنین دغدغه‌ای را دنبال می‌کند و در حال تبیین همین نگاه خانواده‌محور برای گردهمایی تک تک اعضای خانواده کنار یکدیگر است. نام‌های مقدس پدر و مادر در پیشانی دو سریال «خانه پدری» و «ترانه مادری» نیز خود گویای نگاه و روایت خانواده‌محور و ارزش‌مداری است که او سال‌ها در پی‌اش بود. او نیک می‌دانست که آدم‌ها از دل حمایت و پشتیبانی خانواده و تک تک اعضایش است که سالم و برقرار می‌مانند و از همین باب همیشه نگاه و اهتمام ویژه‌ای نیز به موجودیت اجتماعی انسان‌ها و نیز تبلور روایی و تصویری این تلقی در قالب آثارش داشت. اتفاقاً داستان سریال «خاک سرخ» با محوریت همین پیوند خانوادگی است و بهیپهانی نیا بلد بود چگونه داستانی پر سوز و گداز جدایی و وصل را بستری کند برای توصیف ارزش‌های زندگی خانوادگی. وجه اشتراک جلوه و نمایش بهتر این ارزش‌های ابدی در آثارش نیز معمولاً از دست دادن و فوت عزیزترین اعضای خانواده و به عبارتی ستون‌هایش بوده تا از این مسیر بیشتر بر لزوم و ارزش‌های خانواده تأکید کرده و آن را در نظر بیندازد. به عبارتی مسیری دستیابی‌هایی که روایت‌اش بوده همیشه توأم با آسیب‌هایی نیز بوده تا ارزش‌های متعالی‌تر و پایدارتری را در نظر پدیدار سازد. در «خاک سرخ» زنی جوان (لاله اسکندری) در ابتدای راهی که قرار است ختم به پیوندی شیرین شود، داغ و هجری بزرگ را تجربه می‌کند و همراهی همسرش (حبیب رضایی) را از دست می‌دهد تا اهمیت و صالی خانوادگی برایشان دوچندان شود. مادر سریال «نرگس» با بازی پوران‌مخت‌همیمن نیز تا زمانی که هست اوضاع آرام‌تر و دل‌ها برای مواجهه با پیشامدهای ناگوار یا بحران‌های زندگی آسوده‌تر است. بهیپهانی نیا مثل سریال «خاک سرخ»، می‌داند کدام عضو را از جمع این خانواده باید کم کند که هم داغش تا انتهای اثر سرد نشود، هم توجه را ببرد سمت خانواده و ارزش‌ها و ستون‌های اصلی‌اش و به همین سبب در «نرگس» در همان ابتدا مادر دلسوز و حامی سریال را از جمع خانوادگی کم می‌کند. توازن زندگی و آرامش آدم‌های روایت «ترانه مادری» نیز وقتی به هم می‌ریزد

که مادر بزرگ فهیم، اهل مدارا و آشتی‌قصد، با بازی هم‌روستا جمع خانواده را ترک کرده و راهی دیاری دیگر می‌شود. بعد از آن است که اختلاف‌ها علنی‌تر و یافتن راه حلی برای مصالحه و پرده‌گشایی از رازی قدیمی امری دشوارتر می‌شود. «فاصله‌ها»، همان‌طور که از نامش پیداست، روایتی است از فاصله افتاده میان پدر (دانیال حکیمی) و پسر (شاهرخ استخری) در خانواده‌ای که سال‌ها از داشتن همراهی چون همسر و مادر محروم بوده است. به عادت معمول داستان و آثار بهیپهانی نیا، با یک فقدان از اعضای مهم خانواده طرفیم، البته اینبار از ابتدا و وسط روزهایی که شکاف میان پدر و پسر بزرگ خانواده در آستانه عمق بیشتر و تبدیل شدن به مشاجرات جدایی‌برانگیز است. پدر به سبب افکاری کمی متعصبانه و گاه افراطی در مواجهه با پسر، ناهنجاری‌های رفتاری و عملی او را خیلی برنمی‌تابد و احکام صادره از سوی پدر و عدم پذیرش توسط سعید، هر روز بر آتش اختلاف این دو می‌دمد. بهیپهانی نیا اینجا نیز در پی ارائه تصویری از شکاف نسل‌ها با هدف توجه دادن به ارجمندی بنیاد خانواده و لزوم توجه به پیوندهای عاطفی و فکری و درک متقابل میان اعضایش برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است. در فیلمنامه بعدی‌اش «کیمیا» نیز، به مانند سریال «نرگس» و باز هم توسط یک زن با بازی مهرآه شریفی‌نیا، همچنان دلمشغولی‌اش خانواده است و حفظ کانون گرم آن میان کلی بحران پیش‌بینی نشده. بهیپهانی نیا بعد از گذشت بیش از یک دهه از ساخت سریال «خاک سرخ»، دوباره آدم‌های قصه‌اش را برد به شهر حماسه‌های ماندگار، خرمشهر. جایی که به سبب همجواری با زادگاهش، بسیاری خوب با تلخ و شیرین و همچنین اشک‌ها و لبخندهای مردمانش آشناست. انقلاب، جنگ و زمان حال نیز بره‌هایی تاریخی برای نمایش روزهای سخت رفته بر اعضای خانواده این سریال، یا به عبارتی مردمان این سرزمین است. بنابر گفته‌ها، بهیپهانی نیا در نگارش طولانی‌ترین سریال تلویزیون «کیمیا»، از زندگی خویش وام گرفته و الگو برداری کرده و طبق عادت معمول آن را با انواع داستان فصل و وصل در آمیخته است. بر اساس همان راهکار امتحان پس‌داده همیشگی، باز هم فقدان، شگردی است برای ورود و جلب توجه و نمایش خانواده‌شهری که تا سرحد توان پای حفظ حریمش می‌ماند. در راستای اجرای این ایده، پدر (حسن پور شیرازی) و مادر (آرینا حاجیان) و پسر (علی شادمان) خانواده پارسا را چند مدتی و هر کدام را به دلیلی از جمع خانواده دور نگاه می‌دارد تا تأکید دوباره‌ای باشد بر ارزش‌های خانواده و تأییدی بر میل همیشگی‌اش به داستان‌سرایی در این حوزه. «برف بی صدا می‌بارد» با کارگردانی

